

جهاد تبیین^۱

حجت‌الاسلام والمسلمین سعید صلح میرزایی *

مقدمه

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌تعالی‌عنه، درباره رسالت روشنگری و جهاد تبیین فرموده است:

شما جوانان عزیز و دانشجویان عزیز که به معنای واقعی کلمه میوه دل ملت و امید آینده این کشورید، به مسئله «تبیین» اهمیت بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه‌داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و به خصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است. هر کدام از شما به عنوان یک وظیفه، مثل یک چراغی، مثل یک نوری پیرامون خودتان را روشن کنید. امروز خوشبختانه میدان باز است برای انتشار افکار. این فضای عمومی در کنار مشکلاتی که ممکن است به وجود بیاید، برکات بزرگی هم دارد؛ می‌توانید افکار درست را، افکار صحیح را منتشر کنید؛ پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده از این امکان منتشر کنید و می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید. البته اصل قطعی در این باب، این است که بایستی از شیوه اخلاقی در این کار پیروی کرد. از این کاری که بعضی‌ها در فضای مجازی یا در مطبوعات و در مقاله‌ها و اینجا و آنجا انجام می‌دهند که با دشنام، با

۱. این نوشتار، متن پیاده شده سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین سعید صلح میرزایی است که در بهمن ۱۴۰۰ در جمع مبلغان دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم ایراد شده است.

* نویسنده و پژوهشگر.

تهمت و فریب و دروغ با افکار عمومی مواجه می‌شوند، باید به شدت اجتناب کرد. بایستی حقایق را با منطق قوی، سخن متین و عقلانیت کامل، همراه با زینت عاطفه و عواطف انسانی و به‌کارگیری اخلاق منتشر کرد. امروز همه ما بایستی در این میدان حرکت بکنیم؛ هر کدام به نحوی و با سهمی که در این راه داریم. امیدوارم ان‌شاءالله خدای متعال همه شماها را موفق کند. جوان‌های ما امروز بحمدالله مجهزند؛ مجهز به فکر، مجهز به عقلانیت، مجهز به آگاهی‌های فراوان و می‌توانند در این زمینه‌ها خیلی تلاش کنند. خودتان را آماده کنید، این تجهیزات را در خودتان افزایش دهید و به معنای واقعی کلمه خودتان را مجهز کنید و در این میدان وارد بشوید.^۱

معنای جهاد تبیین و جنگ روایت‌ها

تبیین، یعنی بیان حقیقت و از بین بردن غبار جهالت و تحریف از اذهان. ذهن انسان ممکن است دچار ابهام شود، مورد تحریف قرار گیرد و دشمن یا هر فرد دیگری آن را از مسیر حقیقی و عقلانی خودش منحرف کند. به عبارتی تبیین به معنای بی‌تفاوت نبودن انسان نسبت به ذهنی است که به کمک نیاز دارد و باید تعلیم ببیند. مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در موارد متعددی اساس روش اسلامی و انقلابی را تبیین دانسته‌اند؛ چنانکه یکی از موارد امر به معروف و نهی از منکر نیز همین مسئله است. اگر چه رهبر انقلاب همواره قشر نخبگان و، طلاب و دانشجویان را به تبیین فراخوانده بودند، اما اکنون مخاطب عام را به این امر دعوت کرده و از همگان خواسته‌اند در حوزه خود تأثیرگذار باشند و نسبت به شرایط کنونی جامعه و جهان بی‌تفاوت نباشند. از همین روست که در توصیه به پرستاران می‌فرماید: «شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند».^۲

تبیین، بخشی از جهاد تبیین و رسالت روشنگری است. باید توجه داشت که هر کاری از نظر اسلامی جهاد نیست. مهم‌ترین عنصر جهاد به معنای اسلامی و قرآنی، تقابل با دشمن است؛ یعنی هر کاری که در تقابل با دشمن و فی سبیل‌الله باشد، جهاد است:

۱. بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، ۱۴۰۰/۰۷/۰۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48746>

۲. بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت، ۱۴۰۰/۰۹/۲۱.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49192>

جهاد یعنی چه؟ جهاد یعنی تلاش در مقابله با دشمن. هر تلاشی، جهاد نیست. خیلی‌ها تلاش می‌کنند، تلاش‌های علمی زیادی می‌کنند، تلاش‌های اقتصادی می‌کنند که خوب و به‌جاست، اما جهاد نیست. جهاد، یعنی تلاشی که هدف‌گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد؛ این جهاد است. در اصطلاح اسلامی و منطق اسلامی، جهاد این [کاری] است که در مقابل دشمن انجام می‌گیرد. شما [اگر] کار اقتصادی بکنید برای مقابله با دشمن، می‌شود جهاد؛ کار علمی و تحقیقی بکنید برای مقابله با دشمن، می‌شود جهاد؛ حرف بزنید، تبیین کنید برای خنثی کردن و سوسه دشمن، می‌شود جهاد؛ اینها همه جهاد است. پس مهم این است که ما عرصه جهاد را تشخیص بدهیم که در هر زمانی در چه عرصه‌ای باید جهاد کرد. این، خیلی مهم است.^۱

تبیین مهمترین عرصه جهاد

از نظر مقام معظم رهبری علیه‌السلام جهاد تبیین، مهم‌ترین عرصه جهاد است؛ زیرا اکنون دشمن با هزاران دستگاه رسانه‌ای و خبری دست به جنگ روانی زده است تا با وارونه جلوه دادن واقعیت‌ها، رابطه مؤمنانه مؤمنین را قطع کند. از این رو باید با تبیین و روشنگری، حقیقت‌ها را برای همگام بیان کرد.

ما در حال یک نبرد فرهنگی، یک نبرد جنگ نرم هستیم یعنی به ما تهاجم شده؛ تهاجم نرم، آن هم با ابزارهای پیشرفته و بسیار نو و با توانایی بسیار بالا؛ به ما حمله شده. خوب ما باید اول این را تصدیق کنیم، باید اول قبول کنیم که ما در حال یک جنگیم، ما مورد تهاجم قرار گرفته هستیم. اگر چنانچه این شد، آن وقت بایستی همه نیرو را متمرکز کنیم در ضربه زدن به مهاجم و جلوی هجوم او را گرفتن. هدف مهاجم، آماج کار مهاجم چیست؟ فرهنگ ماست، اخلاق ماست، خانواده ماست، هویت ماست، تاریخ ماست. در مقابل، ما بایستی یک جبهه قوی توانایی ایجاد کنیم که این جبهه بتواند پاسخگو باشد. آن جبهه متشکل از کیست؟ از هنرمند، روشنفکر، عنصر فرهنگی؛ یعنی شماها هستید، شماها و امثال شما آقایان و دوستانی که در بخش فرهنگ و در بخش هنر مشغول کار هستید.^۲

۱. بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49448>

۲. گزیده‌ای از بیانات در دیدار جمعی از برنامه‌سازان صدا و سیما، ۱۳۹۷/۰۸/۲۴.

ایشان در توصیه دیگری به فعالیت هزاران دستگاه دشمن برای مبارزه با اسلام و انقلاب اسلامی اشاره و بر جهاد تبیین به عنوان مهم‌ترین عرصه جهاد تأکید می‌کنند:

یک روز میدان، میدان نظامی است مثل دوران دفاع مقدس، دوران دفاع از حرم؛ اینجا میدان، میدان نظامی است؛ آن روز خیلی‌ها وظیفه را تشخیص دادند و حرکت کردند و رفتند و وظیفه‌شان را انجام دادند - البته واجب کفایی بود؛ واجب عینی نبود - که البته در همین جا هم هیئت‌ها سنگ تمام گذاشتند که قبلاً عرض کردیم، و بسیاری از این رزمندگان ما و شهدای ما، بچه‌های هیئت‌ها بودند که رفتند و به شهادت رسیدند. یک روز عرصه علم است و جهاد، جهاد علمی است، باید علم را بالا برد؛ یک روز عرصه فعالیت‌های اجتماعی است؛ یک روز عرصه خدمات اجتماعی است و خدمت به مردم. آن روزی که دشمن سعی می‌کند جامعه را در فشار اقتصادی قرار بدهد، برای اینکه مردم را در مقابل اسلام، در مقابل نظام اسلامی قرار بدهد؛ آن روز اگر شما خدمت اقتصادی و اجتماعی به مردم بکنید، جهاد کرده‌اید در مقابل دشمن؛ لکن از همه این‌ها مهم‌تر عرصه تبیین و روشنگری است. اگر روشنگری بود، همه این عرصه‌های گوناگون در وقت خود و جای خود وضع‌شان روشن خواهد شد و مردان خودشان را پیدا خواهند کرد.^۱

مبارزه تبیینی اهل بیت علیهم‌السلام

مبارزه سیاسی اهل بیت علیهم‌السلام، مبارزه تبیینی بوده است، اگر چه گاه مبارزه مسلحانه نیز صورت گرفته است. رهبر معظم انقلاب رحمته‌الله در کتاب هم‌رزم حسین علیه‌السلام نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند که تمامی اهل بیت علیهم‌السلام هم‌رزم عبدالله الحسین علیه‌السلام بودند، اما نوع میدان جنگ‌هایشان متفاوت بود. جهاد تبیین محدودده خاصی ندارد و حتی معیشت مردم نیز به آن مرتبط است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله دو جریان تحریم و تحریف را هم‌عرض با یکدیگر می‌دانند و معتقدند شکست جریان تحریف، موجب شکست جریان تحریم خواهد شد؛ زیرا دشمن با تحریف واقعیت‌ها توانسته است تحریم‌ها را به جایی برساند که اثر منفی آن بر جامعه بسیار مشهود باشد. از این رو جهاد تبیین در واقع نوعی مقابله با تحریف‌ها و شکست تحریم‌هاست:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41040>

۱. بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49448>

این بزرگوار جهاد تبیین را، جهاد روایت را راه انداخت؛ نگذاشت و فرصت نداد که روایت دشمن از حادثه غلبه پیدا کند؛ کاری کرد که روایت او بر افکار عمومی غلبه پیدا کند. حالا تا امروز روایت زینب کبری علیها السلام از حادثه عاشورا در تاریخ مانده، در همان زمان هم تأثیر گذاشت در شام، در کوفه، در مجموعه سال‌های حکومت اموی و منتهی شد به ساقط شدن حکومت اموی. ببینید، این درس است؛ این همان حرفی است که بنده همیشه می‌گویم: شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر حادثه دفاع مقدس را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند، هر جور دلش می‌خواهد؛ توجیه می‌کند، دروغ می‌گوید [آن هم] ۱۸۰ درجه خلاف واقع؛ جای ظالم و مظلوم را عوض می‌کند. شما اگر حادثه تسخیر لانه جاسوسی را روایت نکنید - که متأسفانه نکردیم - دشمن روایت می‌کند و کرده؛ دشمن روایت کرده، با روایت‌های دروغ. این کاری است که ما باید انجام بدهیم؛ وظیفه جوان‌های ماست.^۱

عملیاتی شدن ارزش‌ها در جامعه، به بحث جهاد تبیین باز می‌گردد. تبیین نکردن حقایق و مسائل برای جامعه، موجب عدم گفتمان‌سازی و در نتیجه شکل‌گیری یک فتنه می‌شود؛ چنانکه در فتنه ۷۸، ۸۸ و نیز قضیه بنزین تبیین صحیح مسائل می‌توانست مانع بروز اتفاقاتی که رخ داد، شود. شکل‌گیری مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی، نیازمند تبیین است. عدم تبیین وقایع و مسائل، زمینه‌ساز نفوذ و تسلط دشمن بر اذهان مردم جامعه می‌شود. انبیای عظام الهی و اهل بیت علیهم السلام، بهترین الگوهای جهاد تبیین هستند؛ چنانکه امام علی علیه السلام در دوران کوتاه حکومت خویش، همواره به تبیین و روشن‌گری پرداخت. حضرت زهرا علیها السلام نیز با مراجعه به خانه انصار و اصحاب و خطبه فدکیه در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر فعالیت‌های خویش کوشید ولایت و امامت را برای جامعه تبیین کند. امام سجاد علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام، حضرت ام‌کلثوم علیها السلام و حضرت سکینه علیها السلام، رسالت روشن‌گری و تبیین واقعه عاشورا را به خوبی به انجام رساندند. عمار یاسر، صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام آن‌چنان به تبیین و روشن‌گری مسائل اهمیت می‌داد

۱. بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت، ۱۴۰۰/۰۹/۲۱.

که هر جا فتنه‌ای رخ می‌داد، خود را به آنجا می‌رساند و روشنگری می‌کرد.

امام خمینی الگوی تبیین و روشنگری

امام خمینی علیه السلام، یکی دیگر از الگوهای روشنگری و تبیین است که از سال ۱۳۴۱ با سخنرانی‌های مختلف به افشاگری علیه حکومت منحوس پهلوی و جنایات آن پرداخت. حتی پس از تبعید در سال ۱۳۴۳ نیز دست از تبیین و روشنگری برنداشت و با اعلامیه‌ها و سخنرانی‌هایی که به صورت نوار در میان مردم دست به دست می‌چرخید، تحلیل و فهم مردم را بالا برد و حقایق را به صورت صحیح برای آن‌ها بیان کرد. از همین روست که وقتی در شب ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ به مردم دستور داد که به خیابان‌ها بیایند، تمامی مردم با تبعیت از فرمان ایشان به خیابان‌ها آمدند و ریشه ظلم و جور حکومت پهلوی را کردند. پس از پیروزی انقلاب نیز هر گاه نیاز به تبیین بود، امام علیه السلام به میدان می‌آمد و روشنگری می‌کرد.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام که خود نیز یکی از الگوهای موفق تبیینی است، در دهه ۶۰، روحانیون و ائمه جمعه را به عنوان الگوهای تبیینی و بال و پر امام خمینی علیه السلام می‌دانستند که پیام امام علیه السلام را به اقصی نقاط کشور منتقل می‌کردند:

آن عاملی که توانست پیام مراجع را در دوره اول - آن چند ماه اول - و بعد پیام امام بزرگوار علیه السلام را که تنها این کار را انجام می‌دادند و این رهبری را انجام می‌دادند - چه در دوره قم، چه در دوره نجف - منتشر کند در اقصی نقاط کشور و در دل‌های مردم نفوذ بدهد، عامل طلبگی بود؛ طلبه‌ها بودند که این کار را کردند؛ طلبه‌ها بودند که این فکر را منتقل کردند به سرتاسر کشور.^۱

شهید مطهری علیه السلام و آیت‌الله مصباح علیه السلام نیز از دیگر الگوهای تبیین هستند. در دوران اصلاحات علی‌رغم حجمه‌هایی که نسبت به آیت‌الله مصباح علیه السلام وجود داشت، ایشان در سلسله جلساتی همچون خطبه‌های پیش از نماز جمعه، جلسات متعددی که از اقصی نقاط کشور دعوت می‌شد و ... به تبیین می‌باحث اسلامی پرداخت.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در کتاب خون دلی که لعل شد، با اشاره به مبارزات افراد مختلف با حکومت پهلوی، خود را از معدود افرادی می‌داند که در جریان نهضت اسلامی، هر دو خط مبارزه و تبیین را در کنار یکدیگر دنبال می‌کردند؛ زیرا معتقد بودند اگر فعالیت آگاهانه فکری

۱. بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضیای حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.

اسلامی از جنبش مبارزه جدا شود، مبارزه خشک و بی‌روح می‌شود:

یکی از آقایان، پایین یک شعری خواندند که مضمونش این بود که اگر شمشیر بکشید، سینه‌هایی که بیابند در جلوی شما بایستند و در مقابل دشمنان شما سینه سپر کنند [زیاد است]، من گفتم من شمشیر را کشیدم، مشغولیم، ما از چپ و راست داریم می‌زنیم؛ این جوری نیست؛ منتها نوع شمشیر امروز و نوع میدان امروز با نوع میدان آن سال‌های اول تفاوت دارد؛ ما در جنگ نرمیم؛ در جنگ سیاسی هستیم، در جنگ فرهنگی هستیم، در جنگ امنیتی و نفوذی هستیم؛ فکرها و اراده‌ها دارند با هم می‌جنگند. امروز ما خیلی احتیاج داریم به ابزارهای مؤثر و تأثیرگذار؛ یک بخش عمده این ابزارها، به نظر من شعر است که بایستی مورد توجه شما قرار بگیرد.^۱

سابقه مبارزاتی رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی به ابتدای نوجوانی و جوانی ایشان باز می‌گردد. ایشان از ابتدای مبارزه همواره به تبیین مسائل پرداختند؛ چنانکه نقل شده است وقتی در مشهد مسجدی که حضرت آقا در آن به اقامه نماز و سخنرانی می‌پرداخت، تعطیل شد؛ شهید مطهری رحمته‌الله به ایشان گفته بود علت اینکه مسجد شما را تعطیل کرده‌اند، این است که شما به شیوه پیامبران عمل می‌کنید و دیگران به شیوه آخوندها؛ زیرا انبیا و پیامبران همواره در کنار مبارزه با طاغوت به روشنگری و بیان حقیقت پرداخته‌اند. از همین رو بود که در جریان انقلاب و حتی پس از پیروزی انقلاب، دشمن از روشنگری‌های مقام معظم رهبری رحمته‌الله همواره می‌ترسید و به دنبال محدود کردن ایشان از بسته شدن مسجد و دستگیری توسط ساواک تا ترور توسط گروه منافقین بود.

الزامات جهاد تبیین

جهاد تبیین در بیانات رهبر معظم انقلاب رحمته‌الله دارای اصول و الزاماتی است که باید استخراج و بیان شود. البته تبیین و روشنگری به طور حتم به ضرر برخی افراد، گروه‌ها و ... تمام خواهد شد و آن‌ها نیز با تمام توان خود می‌کوشند با آن مقابله کنند؛ از این رو باید ایمان، تقوا و توکل به خدا را در وجود خود تقویت کرد؛ زیرا ایمان، تقوا و توکل بر خدا جزء اصول اساسی تبیین و روشنگری است.

هر فرد در مسیر جهاد تبیین و رسالت روشنگری باید مراقب باشد که گرفتار خرافات و

۱. بیانات در دیدار با شاعران، ۱۳۹۵/۰۳/۳۱.

شایعات نشود تا در مخاطب ایجاد ناامیدی نکند. بنابراین تحقیق درباره مسائل، یکی از اصول اولیه رسالت تبیین است؛ زیرا بنا بر دستورات اسلامی نباید از آنچه به آن علم نداریم، پیروی کنیم: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»^۱.

یکی از الزامات جهاد تبیین و رسالت روشنگری، هم‌افق و هم‌راستا بودن محتوای ارائه شده با نقشه کلان محتوایی انقلاب است. هم‌افقی با ولی جامعه خیلی مهم است. از این رو در تبیین و بیان حقیقت باید از نظرات بزرگان و اندیشمندانی همچون امام خمینی علیه‌السلام، مقام معظم رهبری علیه‌السلام، شهید مطهری علیه‌السلام، شهید بهشتی علیه‌السلام، آیت‌الله مصباح علیه‌السلام و ... به عنوان ایده‌آل‌های انقلاب استفاده کرد. مطالعه آثار امام علیه‌السلام و رهبر انقلاب علیه‌السلام، به‌ویژه آثاری که در مباحث معرفتی و سیاسی وجود دارد، موجب ارائه بهترین تبیین خواهد شد. باید مصلحت‌اندیشی‌های راحت‌طلبانه را رها کرد. مصلحت‌اندیشی و عافیت‌طلبی می‌تواند موجب شود فرد جهاد تبیین را رها کند. جهاد تبیین تعارف‌بردار نیست. باید در این مسیر استقامت کرد و کوشید با صبر، مقاومت، پشتکار و توکل بر خدا غبار نشسته بر حقایق را زدود.

از دیگر الزامات جهاد تبیین، محبت قلبی و دلی است؛ چنانکه شهید سلیمانی در این باره فرموده است:

برادران، رزمندگان، یادگاران جنگ؛ یکی از شئون عاقبت به خیری، نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب است. والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری همین است. والله والله والله، از مهم‌ترین شئون عاقبت به خیری، رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید، مهم‌ترین محور محاسبه این است.^۲

ایجاد رابطه قلبی و دلی با امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری علیه‌السلام به عنوان بنیان‌گذار و رهبری این انقلاب، موجب می‌شود همانند آن‌ها فکر کنیم و مطابق پازلی که به عنوان مقدمه ظهور چیده شده است، عمل نماییم.

در جهاد تبیین و رسالت روشنگری، یک سری مهارت‌ها نیز لازم است. باید مهارت‌های لازم را آموخت، از قانون تبعیت و پیروی کرد و به هنگام عمل نمود. از این رو باید

۱. اسراء: ۳۶.

۲. خبرگزاری میزان، «بازخوانی سخنان سپهد قاسم سلیمانی»، ۱۷/۱۰/۱۳۹۸، کد خبر: ۵۸۴۳۶۰.

موقعیت‌شناس بود تا مانند تواین بعد از رخ دادن حادثه و به وجود آمدن تبعات منفی برای جامعه عمل نکنیم؛ زیرا دیر اقدام کردن و عدم موقعیت‌شناسی، موجب بروز خساراتی بر جامعه می‌شود که گاه جبران‌ناپذیر است.

همچنین در این مسیر باید از هنر، مداومت در تکرار و عنصر عاطفه بهره برد. بحث محبت در تبیین خیلی مهم است، خیلی از مواقع با محبت می‌توان مخاطب را اقناع کرد.

موضوعات نیازمند تبیین

رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام موضوعاتی را برای تبیین ارائه فرموده‌اند که از مهم‌ترین آنها تبیین در مبانی و معارف دینی است که در ذیل این موضوع مباحث ذیل باید تبیین شود:

- اصول اساسی انقلاب اسلامی؛
 - اندیشه مقاومت؛
 - دستاوردهای انقلاب؛
 - باور و امید به آینده انقلاب؛
 - مسائل مهم انقلاب مانند مسئله مذاکره با آمریکا؛ آیا میتوان به آمریکا اعتماد کرد؟
 - بیان واقعیت‌ها؛ اگر ما واقعیت‌ها را نگوئیم دشمن آن‌ها را آن گونه که خودش می‌خواهد روایت می‌کند.
 - گاهی وقت‌ها هم حوادثی اتفاق می‌افتد مانند فتنه سال ۸۸ که باید بهنگام تبیین شود.
- برخی عناوین مهم دیگری وجود دارند که باید در آنها تبیین صورت بگیرد تا دشمن نتواند به نقشه‌های شوم خود دست یابد. دشمن چند واقعیت را هدف گرفته است:
۱. تطهیر رژیم پهلوی؛ رژیمی که اصلاً قابل تطهیر نیست، رژیمی که فاسد، ضعیف، وابسته، منحرف، به شدت غیر مردمی و به شدت سود طلب شخصی بود؛
 ۲. زیرسوال بردن دستاوردهای انقلاب؛
 ۳. تحریف آینده روشن انقلاب؛ و
 ۴. غیر قابل شکست نشان دادن خود.
- هدف اصلی دشمنان از این کارهای آن است که جوان را به ناامیدی بکشانند. اگر جوان نسبت به اصل انقلاب دچار تردید شود، اگر دستاوردهای انقلاب را نادیده بگیرد، اگر هیچ آینده

روشنی را برای خود و جامعه ملاحظه نکند و اگر دشمن آماده و قوی را هم در مقابل خود احساس کند، این جوان دیگر انگیزه ای برای ادامه مسیر و مقاومت ندارد. اینجاست که جهاد تبیین اهمیتش مشخص می‌شود. با تبیین درست و بهنگام میتوان همه اهداف دشمن را نابود کرد. به همین جهت است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم فرمودند ریشه ای ترین جهاد این است که امید در دلها حکم فرما باشد.

وظایف ما در جهاد تبیین

هر یک از ما می‌توانیم با انجام کارهای ذیل در جهاد تبیین نقش آفرین باشیم:

۱. گفتگوی چهره به چهره؛
۲. تشکیل حلقه‌های معرفتی؛
۳. تولید محتوا در فضای مجازی و باز نشر آن؛
۴. باز نشر محتواهای مفیدی که دیگران تولید کرده اند؛
۵. پاسخ به شبهه‌ها در فضای مجازی و حقیقی؛ همه شبهه‌ها پاسخ دارند. با مطالعه و یا جست و جو در فضای مجازی می‌توان به جواب‌ها دست یافت؛
۶. تبلیغ جهاد تبیین؛ یکی از مهمترین کارهای ما این است که خود جهاد تبیین را تبلیغ کنیم. خیلی از مردم هنوز با بیانات رهبر معظم انقلاب آشنا نشده‌اند؛ به مردم بگوییم که چه وظایفی دارند و چه کارهایی می‌توانند انجام دهند. جهاد تبیین یعنی نسبت به ذهن غبار آلوده اطرافیانمان بی تفاوت نباشیم. یک نفر ممکن است فقط ۴ نفر دنبال کننده داشته باشد، یک کسی است که ۱۰ نفر دنبال کننده دارد، یک کسی صد نفر، یک کسی هزار نفر، یک کسی هم ممکنه ده‌ها هزار نفر دنبال کننده در فضای مجازی و حقیقی داشته باشد. همه می‌توانند نسبت به جهاد تبیین انجام وظیفه کنند.

الحمد لله رب العالمین

چیستی جنگ روایت‌ها و چگونگی کنش رسانه‌ای مؤثر مبلغان^۱

محمد لسانی*

مقدمه

روحانیون و حوزه به صورت سنتی، پیشتاز جنگ روایت‌ها بوده و از ابزار آن همچون منطق و خطابه بهره کافی برده اند لذا از نظر اجتماعی این جایگاه برای آنان محفوظ است. اگر به عقب‌تر برگردیم می‌بینیم در طول تاریخ همواره پیشوایان دینی که در دوران خود به کنشگری پرداخته‌اند، روایت‌ساز بوده‌اند. عصر جدید، ویژگی‌هایی دارد که باید توأمان با این ویژگی‌ها از توانمندی گذشته نیز بهره برد. نمونه روایت‌سازی را در سیره امیرمؤمنان علیه السلام می‌توان مشاهده کرد که در سرزنش مردم بصره و کسانی که در جنگ جمل با ایشان مبارزه کردند، فرمود: «كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَ أَتْبَاعَ الْبُهَيْمَةِ»^۲ شما سپاه زنی و پیرو حیوان زبان بسته‌ای بودید». نمونه دیگر روایت‌سازی، واقعه عاشوراست. نهضت حسینی دارای دو روایت است. یک روایت زینبی و یک روایت یزیدی دارد و هر کدام از طرفین می‌خواهند روایت خودشان را مسلط کنند. مخاطب‌گزینی، مکان‌سنجی و نحوه به‌کارگیری ادبیات و استخدام کلمات باعث شده است که اکنون روایت زینبی در طول اعصار سرپا باشد و روایت یزیدی به قهقرا برود. بنابراین جنگ روایت‌ها، دارای عقبه است که نباید مورد غفلت قرار گیرد. فرانسیس فوکویاما^۳ می‌گوید اکنون میان تولیدکننده و مصرف‌کننده هیچ واسطی نیست و مردم هر چیزی را که می‌شنوند و می‌بینند، باور می‌کنند. از نظر او در واقع کنترل‌کنندگی و نظارت‌نخبگان تا حدودی برداشته شده و او هراس دارد که در

۱. این نوشتار متن سخنرانی جناب محمد لسانی است که در بهمن ۱۴۰۰ در جمع مبلغان دفتر تبلیغات اسلامی ایراد شده است.

* مدرس سواد رسانه‌ای www.mlesani.ir.

۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۵۵.

۳. فیلسوف آمریکایی، متخصص اقتصاد سیاسی.

این آرایش جهانی حتی دموکراسی نیز تضعیف شود. جریان تولیدکننده خبر کذب، می‌تواند پایه‌های دموکراسی غربی را نیز متزلزل کند. بنابراین جنگ روایت‌ها فقط موجب به خطر افتادن گفتمان‌های دینی نمی‌شود؛ بلکه پایه‌های دموکراسی را نیز تخریب می‌کند. در واقع اکنون دوره پساحقیقت^۱ ایجاد شده است که به واسطه آن گفتمان‌های جعلی، سطحی، لذت‌طلب و باورگریز می‌کوشند بر جامعه مسلط شوند.

۱. بازشناسی عصر جنگ روایت‌ها

عصر جدید را می‌توان بر اساس ویژگی‌ها و فرصت‌هایی که ایجاد کرده است شناخت:

۱/۱. ویژگی‌های عصر جدید

عصر جنگ روایت‌ها دارای چند ویژگی است:

- این عصر در واقع عصر "انسان رسانه‌ها" است؛ عصری که انسان‌ها محور روایت‌سازی هستند و دیگر مثل گذشته پول و ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی بزرگ لازم نیست. رسانه‌های خرد (micro media) جای رسانه‌های بزرگ (macro media) را گرفته‌اند.

- همچنین این عصر فاقد دروازه‌بان خبری و اطلاعاتی است. یکی از مفاهیم علم ارتباطات، گیت کیپینگ (دروازه‌بانی) است. برای مثال اخبار و اطلاعات رسیده به دفتر تحریریه توسط سردبیر بررسی، و با صلاح‌دید او در قالب تکنیک‌های عملیات روانی و رسانه‌ای فقط بعضی از آنها از دروازه او رد می‌شود و برخی اطلاعات در صلاح‌دید او یا در قواره‌ی رسانه او نیست و او اجازه عبور آن اطلاعات را نمی‌دهد. در واقع عصر رسانه‌های گذشته، عصر رسانه‌های کنترل‌شده بود که از جنبه‌های منافع سیاسی و اقتصادی مالکان آنها ممیزی می‌شد. گاه نویسنده خودسانسوری می‌کرد و گاه این کار توسط سردبیر انجام می‌شد. در عصر حاضر با حذف دروازه‌بانی، هر کسی می‌تواند دست به نگارش بزند. این مسئله همان‌گونه که یک فرصت است، می‌تواند تهدیدی در حوزه تولید محتوای نامناسب نیز باشد.

- پساحقیقت بودن، سومین ویژگی این عصر است. در گذشته حقیقت توسط افرادی که به منابع اولیه دسترسی داشتند، اعتبارسنجی می‌شد؛ اما در عصر "انسان رسانه‌ها" برداشتی و روایتی هر چند ناقص و تحریف شده از حقیقت بیان می‌شود که تحت عنوان پساحقیقت از آن یاد می‌شود. این برداشت، از حقیقت، عبور و عدول می‌کند و آدمی را درگیر شبهات و شایعات و

1. Post truth

مسائلی می‌کند که در واقع زاویه نگاه یک فرد به اتفاقات و مسائل است. وقتی روایت‌گری فردی توسعه پیدا می‌کند و رسانه‌های اجتماعی عمومیت یابد، مسائل و مطالب مطرح شده از این طریق می‌تواند مورد خدشه قرار گیرد. برای مثال یک سلبریتی با پخش فیلمی در رسانه‌های اجتماعی، فردی را به عنوان جانباز شیمیایی که ۸ سال در جبهه‌های جنگ حضور داشته است و اکنون فرزندانش به سبب شیمیایی بودن پدر دچار نقص جسمانی شده‌اند؛ به مردم معرفی کرد و گریه و زاری کرد که امان از مسوولان که به جانبازان رسیدگی نمی‌کنند. این در حالی است که با بررسی مسئله، پایه‌های این روایت‌گری مورد خدشه قرار گرفت و مشخص شد فرد مورد نظر تنها چند روز در جبهه‌های جنگ حضور داشته و اصلاً شیمیایی نشده است. همچنین نقص جسمی فرزندانش ناشی از ازدواج فامیلی اوست. بنابراین در عصر کنونی که عصر پساحقیقت است، باید توجه داشت که عمومیت یافتن یک خبر مساوی با صحت آن نیست. متأسفانه بسیاری از شایعات به راحتی در میان مردم جای خود را باز می‌کنند و در ذهن افراد ماندگار می‌شوند.

۱/۲. فرصت‌های عصر جدید

عصر جدید در کنار ویژگی‌های بیان شده، فرصت‌هایی را نیز ایجاد کرده است. - یکی از مهم‌ترین فرصت‌های آن، فرصت دیجیتال است. پیش از دوره دیجیتال، پیام به محمل خود چسبیده بود؛ یعنی کلمات یک کتاب بر کاغذ و محتوای تلویزیون، بر موج ارسال شده چسبیده بود. اصوات قابل جداسازی در آنالوگ نبود. این در حالی است که امروزه می‌توان پیام را از محمل و بستر خود جدا کرد. برای مثال هنگامی که پیام روی پیام‌رسان فرد ارسال می‌شود، او می‌تواند آن را کپی کند و به جای دیگری انتقال دهد. در واقع توسعه، قابلیت فضای دیجیتال است که می‌توان از یک بستر به بستر دیگر و از یک پلتفرم به پلتفرم دیگر انتقال داد و این جدا کردن پیام از بستر خود، موجب توسعه پیام شده است. یکی از ویژگی‌های فرصت دیجیتال، تکرر منابع است. در گذشته افراد بسیار کمی سواد داشتند و تعداد تولیدکنندگان پیام نیز اندک بود. منابع نیز بسیار کم بود و باید دست‌نویسی و سپس نسخه خوانی می‌شد، اما اکنون توسعه پیام، یک فرصت است و باید از این فرصت استفاده کرد.

- دومین فرصت ایجاد شده در عصر جدید، فرصت محتواست. روایت از درون گفتمان‌ها تولید می‌شود. گفتمان غرب‌گرا، یک روایت و گفتمان انقلابی، یک روایت دارد؛ بنابراین مواجهه در زمان جنگ روایت‌ها، مواجهه شناختی، ادراکی و محتوایی است. روحانیت به عنوان طبقه نخبگانی و فکری، می‌تواند در جبهه حق از پیشگامان جنگ روایت‌ها باشند.

۲. ویژگی‌های کنشگری مؤثر در عصر جنگ روایت‌ها

برای نیل به کنشگری مؤثر در جنگ روایت‌ها باید حائز ویژگی‌هایی باشیم و سعی کنیم در خودمان آنها را ایجاد و نهادینه کنیم که در اینجا بدان می‌پردازیم:

۲/۱. زیست مجازی

اولین ویژگی کنشگری مؤثر، زیست مجازی است. زیست مجازی، مختصاتی دارد؛ یعنی همین‌گونه که آدمی در زیست واقعی با افراد مختلفی همچون همسایه، مغازه‌دار و... تعامل دارد، در زیست مجازی نیز این تعامل روزانه بسیار مهم است. در زیست دیجیتال نیز باید چک کردن، خواندن، واکنش نشان دادن، تأیید و رد، نقد و اصلاح کردن وجود داشته باشد تا فرد بتواند بگوید این زیست مجازی شکل گرفته است. زیست مجازی شامل تولید متنی، تولید تصویری و ویدیویی و تولید صوتی می‌شود و فرد باید در تمامی این عرصه‌ها توانمند باشد؛ زیرا هر یک از آن‌ها ابزار کار اوست. در واقع زیست مجازی، اولین خصیصه یک کنشگر مؤثر در جنگ روایت‌هاست.

۲/۲. ایجاد خط روایت

دومین مسئله مورد توجه، ایجاد خط روایت است. وقتی اتفاقی می‌افتد باید نسبت خودمان و جبهه گفتمانی خودمان را با آن اتفاق را دریابیم. انتخاب زاویه و انتخاب نوع نگاه به رویداد داشته باشیم. یک رویداد از یک زاویه باعث سرشکستگی اما از چندین زاویه دیگر باعث سربلندی و افتخار است. این هنر ما است که خط روایت را بسازیم. برای مثال نشستن رئیس دولت سیزدهم به عنوان دولت انقلابی در روسیه پشت میز بزرگ و روبه‌روی پوتین، می‌تواند چند نوع خط روایت ایجاد کند. در یک نوع خط روایت، می‌تواند سردی و تحویل نگرفتن ایشان از طرف پوتین باشد؛ اما دقت در زوایای مختلف مسئله می‌تواند گویای زوایای دیگری از مسئله و ایجاد یک خط روایت دیگر باشد. برای مثال این چنین، یک چنین تاریخی بود؛ زیرا تاکنون در کرملین دو رهبر این‌گونه روبه‌روی هم قرار نگرفته بودند. تا پیش از این دیدار، پوتین همیشه در جایگاه بالا می‌نشست و افراد دیگر حتی رؤسای جمهور را پایین قرار می‌داد. این چنین بی‌سابقه از روبه‌روی دو رهبر آن‌چنان مورد توجه قرار می‌گیرد که روزنامه نیویورک تایمز آن را نمایش وحدت ضد آمریکا می‌خواند اما یک نفر عوام تحت تأثیر القائنات دشمن می‌گوید ببینید که سر میز ناهار رئیس جمهور را تحویل گرفتند! کسانی که گلایه و نقد آنان گوش فلک را کر

کرده بود یک ماه بعد که رئیس جمهور فرانسه در سر همان میز در روبروی پوتین نشست ساکت شدند و یادشان رفت که چه انتقادها که از کشور خود و هویت ملی نکردند. بنابراین ایجاد و تقویت خط روایت بسیار مهم است تا از اعتبار و هویت و جایگاه دین و میهن دفاع کرد.

۲/۳. سرعت روایت‌سازی و روایت‌گزینی

سرعت روایت‌سازی و روایت‌گزینی، سومین ویژگی این کنشگری است. هنگام رخدادن مسائل مهم در جامعه، عطش بسیار بالایی برای مصرف محتوا وجود دارد و باعث سرعت تولید محتوا می‌شود. در چنین شرایطی اغلب افراد کمال‌گرا همچون اندیشمندان، پژوهشگران و طبقه نخبگان حوزه و دانشگاه هنگام پرداختن به یک مسئله و پدیده، معتقدند باید همه زوایای آن مسئله را مورد توجه و بررسی قرار داد؛ این در حالی است که در همان ساعات اولیه دهها روایت مجعول و مخدوش از مسئله توسط ناآگاهان یا مغرضان ساخته می‌شود. مدیران تلویزیون همیشه می‌گویند آتن نمی‌تواند منتظر بماند و بالاخره اگر سکوت کنیم گویا قصور و تقصیر را پذیرفته ایم. حالا در عصر شبکه‌های اجتماعی این مسئله خیلی پررنگ‌تر است. برای مثال هنگامی که اتفاقی در جامعه رخ می‌دهد، ابتدا باید شبهات و سؤالات مطرح شده در گروه‌هایی همچون ضد انقلاب و منافقین که به سیاه‌نمایی در جامعه می‌پردازند، مورد بررسی قرار گیرد و پاسخ داده شود. البته باید توجه داشت که گرفتار تغییر محاسبه شناختی نشد؛ یعنی همیشه نباید چشم به گوش شبکه‌ها و گروه‌های معاند ماند و بر اساس آن‌ها رفتار کرد؛ زیرا نسبت ما با حق و حقیقت است نه آنان. باید به روشنگری و افق‌های انقلاب اسلامی فکر کرد.

۲/۴. قاب‌سازی برای ترسیم بهتر

ویژگی چهارم کنشگری مؤثر، به تصویر کشیدن قاب‌های ماندگار است. اهل رسانه ضرب‌المثل معروفی دارند که می‌گویند: «نگو، نشان بده»؛ زیرا ارزش تصویر به اندازه هزار کلمه است. بنابراین گاهی باید به دنبال قاب‌های ماندگار بود. باید قاب عزت را یافت و آن را به مخاطب نشان داد. برای مثال هنگامی که دلاورمردان نیروی دریایی سپاه می‌خواستند یک نفتکش دزدیده شده که از حمایت ناوهای آمریکایی هم برخوردار بود را به تصاحب خودشان دریاورند، عکسی از یک نظامی ایرانی منتشر شده بود که دستش را روی نرده‌ها و یک پایش را پشت پای دیگرش گذاشته بود؛ گویا دارد از تصویر مقابله لذت می‌برد. این تصویر به عنوان قاب عزتمندی نظامی ایرانی، هنگامی که هلیکوپترها، قایق‌های تندرو و شناورهایش برای عملیات نظامی می‌روند، در اذهان مخاطب ماندگار شد. در این حادثه یک قاب دیگر نیز

ماندگار شد؛ هنگامی که چهار یا پنج نفر از نظامی‌های آمریکایی با نگرانی مشغول نظاره کردن قایق‌های تندرو و شناورهای ایرانی بودند. این قاب ابهت پوشالی و ناتوانی نظامیان آمریکایی را به تصویر کشید. این قاب‌ها گاهی سیاسی و گاهی اجتماعی هستند. رفتگری که جارو را کناری گذاشته است و در گوشه پیاده‌رو با خدای خود به راز و نیاز مشغول شده است، قاب زیبایی از معنویت و توجه به نماز اول وقت را در ذهن مخاطب ماندگار می‌کند که شاید با هزاران متن نتوان آن را برای مخاطب توصیف کرد.

۲/۵. لیبیل و برچسب‌سازی و برچسب‌زنی

استفاده صحیح و اخلاقی از تولید لیبیل و برچسب، پنجمین ویژگی مطرح در این مسئله است. همان‌گونه که لباس‌ها برچسب دارند، یک روایت و گفتمان نیز برچسب دارد. مصداق تاریخی آن، سخن امیرالمؤمنین علیه السلام در تولید لیبیل و برچسب برای جبهه مقابل خودشان است. آن حضرت در خطبه سوم نهج البلاغه می‌فرماید: «فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَثَتْ طَائِفَةٌ وَ مَرَقَتْ أُخْرَى وَ [فَسَقَ] قَسَطَ آخِرُونَ؛^۱ هنگامی که قیام به امر خلافت کردم، جمعی پیمان خود را شکستند و گروهی (به بهانه‌های واهی سر از اطاعتم پیچیدند و) از دین خدا بیرون پریدند و دسته دیگری راه ظلم و طغیان را پیش گرفتند و از اطاعت حق برتافتند». آن حضرت با برچسب مارقین، قاسطین، ناکثین، دسته‌بندی شفاف از مخالفین خود در حوزه جدال گفتمانی آن زمان ارائه دادند. در عصر حاضر نیز در رابطه کشور با کشورهای دوست و همسایه و کشورهای متخاصم، روایت‌سازی و برچسب‌زنی‌هایی می‌شود. در دهه ۵۰ و ۶۰، کشورها را با برچسب بلوک شرق و غرب تعریف می‌کردند. امروز در گفتمان‌های داخلی رابطه جمهوری اسلامی با نظام جهانی، باید برچسب‌هایی تولید شود تا به کمک آن‌ها بتوان به فهم افراد کمک کرد و به وسیله آن‌ها بتوان به دسته‌بندی‌ها شکل داد تا از خلط و درهم‌آمیختگی حق و باطل جلوگیری کرد. برای مثال در جامعه یک جریان عدالت‌خواهی سالم و یک جریان عدالت‌خواهی بیمار داریم. با برچسب‌زنی باید بتوانیم میان آن‌ها تفکیک قائل شد. مقام معظم رهبری علیه السلام برچسب‌هایی برای عدالت‌خواهی ایجاد کرده‌اند که به وسیله آن‌ها می‌توان جریان حقیقی عدالت‌خواهی را از جریان بیمار تشخیص داد. عقلانیت، معنویت و اخلاق از ویژگی‌های عدالت‌خواهی حقیقی و سالم است؛ زیرا عدالت‌خواهی که اخلاق و عقلانیت نداشته باشد، مصالح را نمی‌بیند.

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، ص ۴۹.

۲/۶. اهمیت فکت

ویژگی ششم کنشگری مؤثر در جنگ روایت‌ها، توجه به اهمیت فکت است. فکت یعنی حقیقت اما در رسانه معنی اطلاعات مستند و عینی می‌دهد. فکت یعنی استناد آماری، نقل قول، تصویر و هر چیزی است که ارجاع پذیر باشد و بتواند مخاطب را مجاب کند. در واقع هر استدلال باید فکت و ارجاع داشته باشد. در فضای مجازی سخن کسی پذیرفته می‌شود که برای سخنش فکت داشته باشد. بعد از فتنه ۸۸ که مقام معظم رهبری علیه السلام آن را فتنه رسانه‌ای خوانده بودند، ما نیز یک ویژه‌نامه رسانه‌ای با عنوان آرایش رسانه‌ای منتشر کردیم. در این ویژه‌نامه مصاحبه‌ای که با مدیر ارشد فارسی وان داشتیم، به چاپ رسید. برای انجام مصاحبه، من نزد حاج کمیل مستشار از مدیران ارشد شبکه رفتم و نکاتی را مطرح کردم. ایشان نیز نظراتش را مطرح کرد. سپس برگه‌ای را به ایشان نشان دادم که سعد محسنی مالک ارشد فارسی وان در ایالات متحده آمریکا گفته بود به دنبال تغییر اجتماعی هستیم و می‌خواهیم ارزش‌های جامعه را تغییر دهیم و با تغییر ارزش‌ها، در حکومت و حکمرانی تأثیر بگذاریم. وقتی این گفته‌های مالک فارسی وان که به زبان انگلیسی چاپ شده بود را به مصاحبه شونده نشان دادم، ایشان فهمید نمی‌تواند طفره برود و بگوید برای دوستی دو ملت ایران و افغانستان و برای توسعه زبان فارسی این شبکه را تأسیس کرده است!

۲/۷. سبک خاص و بهره‌گیری از آنچه مخصوص خودتان است

ویژگی دیگر این کنشگری، ایجاد و تقویت سبک خاص نگارش، رفتار و گفتار شما است. این مسئله چرا مهم است؟ به خاطر اینکه باعث علقه و رابطه مخاطب با شما می‌شود. بعضی وقت‌ها افرادی که در عرصه تبیین حضور دارند چنان قلم خشک یا زبان رسمی دارند که گویا متن دیکته شده‌ای را روایت می‌کنند و اصلاً در درون جان و ذهن مخاطب اثر نمی‌گذارد. زبان خاص، نشانه و علامت یا سبک خاصی که همه را یاد شما بیاندازد مهم است. گرافیک‌ها آن را استایل و سبک می‌نامند. برای مثال در نوع ارائه و اجرا می‌توان نشانه خاص داشت؛ از نظر محتوایی هم می‌توان یک سنت خاص داشت؛ بنابراین، سنت‌ها مانند یک امضای کاری است و رنگ و بوی شخصی می‌دهد. خیلی وقت‌ها به خاطر اینکه به ادای تکلیف فکر می‌کنیم به "گفتن" فکر می‌کنیم اما کمتر به "چگونه گفتن" می‌اندیشیم و دقیقاً همین مسئله باعث عدم جذب و فقدان جذابیت در کلام می‌شود. توجه به ظرایفی همچون داستان‌سازی برای گفتگو، چگونگی شروع و پایان آن مانند بیان یک حدیث یا شعر و... بسیار مهم و تأثیرگذار است.

۲/۸. استفاده از استعاره، تمثیل و داستان

استفاده از استعاره، تمثیل و داستان، ویژگی دیگر کنشگری مؤثر در جنگ روایت‌هاست. از آنجا که اغلب بحث‌ها در جنگ روایت‌ها، محتوایی و سیاسی و زد و خوردی است؛ باید ظرایفی در آن مورد توجه قرار گیرد. استفاده از مثال‌ها و استعاره‌های مختلف یکی از این ظرایف است. برای مثال باید پیام‌موزیم چگونه مسئله‌ای اثرگذار مانند داستان فضیل بن عیاض را در یک توییت ۱۴۰ کارکتری یا پست تصویری یک دقیقه‌ای اینستاگرام ارائه دهیم تا بتواند دیگران را یک دقیقه متوقف کند و به اندیشه وا دارد. در حوزه‌های رسانه‌ای باید بتوانیم پیام را مزه دار کنیم. در واقع باید در حوزه رسانه، پیام‌ها را با استفاده از استعاره، داستان و مثال مزه‌دار و طعم‌دار کرد تا بتوان مطلب به بهترین نحو و اثرگذار به مخاطب ارائه داد.

۲/۹. ایجاد علقه و تولید مخاطب وفادار

ویژگی نهم کنشگری مؤثر، ایجاد علقه است. سر زدن به برخی صفحات مجازی و گاه نوشتن نظری برای آن‌ها یا ارائه شبانه یک لایو کوتاه مدت به صورت مستمر، نوعی از علقه و ارتباط با زیست مجازی را برای فرد ایجاد می‌کند. این علقه‌ها اندک اندک به مخاطب وفادار می‌رسد. برای مثال هنگامی که روح‌الله زم در آمدنیوز اعلام کرد مخاطبانش ساعت ۹ شب در میدان آزادی تهران تجمع کنند، به یک‌باره افراد زیادی در حد فاصل ساعت ۹ تا ۹:۳۰ در این میدان جمع شدند. در واقع یک معاند ضد نظام، با ایجاد علقه توانسته است کنش مجازی را به کنش واقعی تبدیل کند. بنابراین ما نیز باید از این فرصت استفاده کنیم و علقه مجازی، پویش‌ها و کمپین‌های مختلفی را ایجاد کنیم و آن را به عالم واقع بکشانیم.

۲/۱۰. بیرون آمدن از ذهن خود و مخاطب شناسی

بیرون آمدن از ذهن خود، ویژگی دیگر کنشگری مؤثر در روایت جنگ‌هاست. بیرون آمدن از ذهن خود، یعنی از بیرون به مسئله نگاه کردن. وقتی آنقدر غرق در مسئله ای هستیم نباید بر اساس آن حس و حال موضعی بگیریم بعد بینیم گویا اصلاً کسی اصل مسئله برایش مهم نیست. ممکن است کاریکاتور توهین آمیز به پیامبر اسلام چنان خشمی در ما ایجاد کند که سریعاً به یک راهپیمایی یا بیانیه‌ی انزجار آمیز برسیم. در حالیکه اگر اثر آن را بسنجیم می بینیم هر چند واکنش کوتاه مدت خوبی است اما نمی تواند وزن بگیرد و از مرزهای ملی فراتر برود. باید بینیم چه حرف و تولید رسانه ای می تواند در مخاطب ایرانی و حتی جهانی یک حرکت ایجاد کند. در ارتباط با افراد، یک مفهومی به نام «پرسُنا» وجود دارد که به معنای ذهنیت از

مخاطب است؛ یعنی مخاطب ما کیست؟ باید او را شناسایی کنیم و تلاش کنیم از زاویه نگاه او پیام را تولید کنیم یا پیام را به‌گونه‌ای تولید کنیم که اگر او مخالف ماست، عکس‌العمل تند و خشنی نداشته باشد و یا با ما همراهی و یا سکوت کند.

در سال ۹۷ و یک سال پس از انتخابات، حادثه به کوه خوردن هواپیمای لرستان و سقوط آن اتفاق افتاد. یک کاربر شبکه اجتماعی که به ظاهر مذهبی هم بود، تویت زد که آن همه دروغ در انتخابات گفته شد و این حادثه سیلی بود که جریان سیاسی حاکم از امام رضا علیه‌السلام خورد! این تحلیل بیانگر گیر افتادن این فرد در تله هیجان‌ات درونی‌اش بود. انتشار این مطلب موجب بروز اختلاف و دو قطبی شدن جامعه شد. سقوط هواپیما را دستمایه یک رقابت سیاسی دانستن و بدتر پای امام معصوم را وسط کشیدن، یک خطای آشکار است؛ زیرا این فرد نتوانسته است از ذهن خود خارج شود و محیط رسانه را شناسایی کند. بنابراین در بیان مطالب و جهت‌گیری‌ها، باید مخاطب و واکنش او را شناسایی کنیم.

۲/۱۱. مفصل‌بندی و صورت‌بندی توأمان پیام

توجه به مفصل‌بندی و صورت‌بندی پیام، از دیگر ویژگی‌های این کنشگری است. افرادی که اساس کار و فعالیت شان محتوایی است؛ همیشه مفصل‌بندی استدلال‌شان را بررسی می‌کنند تا از درون پیام خود مطمئن باشند. این در حالی است که نصف وقتی که برای درون مغازه محتوایی خود می‌گذارند برای ویرین محتوا نگذاشته‌اند. گاهی صورت‌بندی آن اشکال دارد و مثلاً کلمات به خوبی به استخدام در نیامده‌اند. شما می‌بینید رهبر انقلاب مدظله‌العالی هر صحبتی که دارند جدا از محتوای غنی حتماً یکی دو تیتراژ در هر بخش در سخنانشان کدگذاری کرده‌اند. یعنی به خبرنگار و روزنامه‌فردا فکر می‌کنند که او از میان این دریای مفاهیم بالاخره نیاز دارد یک جمله صریح و جذاب صید کند پس ایشان در بخش‌های مختلف بیانات خود این جاگذاری گوه‌های کلام را قرار می‌دهند تا بشود ویرین محتوایی و رسانه‌ای ساخت.

۲/۱۲. ترکیب‌بندی فرم‌ها و فرمت‌ها

ترکیب‌بندی فرم‌ها و فرمت‌ها، ویژگی دوازدهم کنشگری مؤثر در جهاد تبیین است. ارائه محتوا باید همراه با ترکیبی از فرم‌ها و فرمت‌ها باشد که برای آن می‌توان از گرافیک، ویدیو و صوت در رسانه‌های مختلف استفاده کرد. خود من برای یک فیلم کامل که در کانال آپارات منتشر می‌کنم، آن را کات می‌زنم و یک برش یک دقیقه‌ای را می‌برم در اینستاگرام و بعد چکیده را تنظیم می‌کنم که تویت کنم و یک متن ده خطی را در می‌آورم که در پیام رسان‌های ایرانی و

خارجی برای گروه‌های دوستان و فعالان فرهنگی تنظیم کنم. پس می‌بینید بین فیلم و متن و گرافیک در سعی بین صفا و مروه هستیم تا توسعه مخاطب بدسیم و در هر پلتفرم و رسانه ای بنا بر اقتضائاتی که دارد محتوایی آماده کنیم.

۳. نقش خاص و ویژگی‌های متمایز مبلغان در جنگ روایت‌ها

۳/۱. فهم گفتمانی

فهم گفتمانی از روایت‌ها لازمه نقش آفرینی در این جنگ است. روحانیت با فهم جریان‌های داخلی و خارجی و گفتمان‌های ایدیولوژیکی که وجود دارد، بیش از هر قشر دیگری میداندار جنگ روایت‌ها است. باید این ویژگی را قدر بدانید و در جدال‌های روایی که در رسانه پیش می‌آید، فهم گفتمانی خود را از دست ندهید و اسیر خرده اتفاقات و نگاه سطحی و خرد نشوید؛ بلکه آن تصویر کلان و فهم گفتمانی را به دیگران نیز تزریق کنید.

۳/۲. ایجاد هسته (کلونی) در فضای مجازی

همان‌گونه که امام جماعت با مأمومین، یک هسته چند نفره انسانی را در مسجد تشکیل می‌دهند؛ در فضای مجازی نیز باید این هسته‌ها شکل بگیرد. جنبش ری استارت آقای حسینی، مجری شبکه پنج که به آمریکا فرار کرد، یکی از این هسته‌ها و کلونی‌هاست. او یک کلونی برای خودش ساخته است و کسانی که این کلونی به نام ری استارت را دنبال می‌کنند، هر آنچه او می‌گوید عمل می‌کنند؛ مانند آتش زدن مسجد! پس هسته‌های کنش رسانه‌ای و اجتماعی در هر دو جبهه وجود دارد. باید توجه داشت اگر "انسان رسانه‌ها" قوت پمپاژ پیام که همان فشار قوی پخش است را نداشته باشند، جایی در فضای رسانه و جنگ روایت‌ها ندارد؛ زیرا قوت نشر پیام فقط به ساختار محتوایی درون آن بر نمی‌گردد بلکه به شبکه‌سازی خالق پیام هم مرتبط است. قوت پمپاژ محتوا، به واسطه‌هایی بر می‌گردد که حاضرند آن را به اشتراک بگذارند و باز نشر کنند. گاهی یک پیام که در یک شبکه اجتماعی مانند توئیتر منتشر می‌شود، توسط افراد بسیاری باز نشر می‌شود. این باز نشر دوباره موجب قدرت گرفتن پمپاژ پیام می‌شود. بنابراین وقتی پیامی در جبهه حق منتشر می‌شود، باید با باز نشر آن موجب قدرت گرفتن پمپاژ آن پیام شویم.

۳/۳. گذر از خطابه به مخاطب

سومین نقش و ویژگی که مبلغ دینی می‌تواند انجام دهد، گذر از خطابه به مخاطب است. باید از یک‌سویه و مونولوگ بودن در فضای مجازی عبور کرد. فضای حقیقی مختصات خاص

خود را دارد. فضای مجازی به مخاطب و گفتگوی دو طرفه نیاز دارد. باید حرف منتقد را شنید و از خطابه به مخاطب و از مونولوگ به دیالوگ گذر کرد.

۳/۴. پایه‌گذاری ارتباطات مدرن بر ارتباطات سنتی و واقعی

پایه ارتباطات را باید بر ارتباطات سنتی و واقعی نهاد. شیفتگی به فضای مجازی، موجب می‌شود بسیاری از افراد احساس کنند باید به همه داشته‌ها و گذشته‌ها پشت پا بزنند که اینطور نیست. ارتباطات مجازی بر روی ارتباطات سنتی قرار می‌گیرد. بنابراین باید بتوانیم برای پیام خود، پایه و شالوده‌ای قوی درست کنیم. ارتباطات واقعی، یعنی منبر آن روحانی محترم که باید مسجد و پامبری‌اش را داشته باشد و بتواند ارتباط مجازی را بر آن حمل و اضافه کند.

۳/۵. ائتلاف‌سازی

یکی دیگر از مسائل مهم در تقویت نقش‌های تبلیغی مبلغان دینی در جنگ روایت‌ها ائتلاف‌سازی است. اهمیت ائتلاف‌سازی از این روست که توان پیوند خوردن با دیگران، منسجم عمل کردن و جذب حداکثری را به نمایش می‌گذارد. گاهی مداح‌ها از این شیوه به خوبی استفاده می‌کنند. برای مثال یک مداح به هیئت مداح دیگری می‌رود و با هم مداحی می‌کنند یا مداحی به محله‌های ضعیف شهر می‌رود و برای مردم برنامه اجرا می‌کند. در جنگ روایت‌ها، "انسان رسانه‌ها"یی که برجسته می‌شوند، اندک اندک خودشان یا پیروان‌شان در مقابله با "انسان رسانه‌ها"ی دیگر در جبهه حق دچار فرسایش می‌شوند و کدورت‌ها و گسست‌ها شکل می‌گیرد. بنابراین باید با سیاست ائتلاف‌سازی در رسانه زمینه‌ساز تقویت جبهه حق شویم. فضای مجازی و فن‌آوری‌های جدید بر پایه فردیت و تقویت فردیت گذاشته شده است. برای مثال در آمریکا در برخی خانه‌ها به تعداد اعضای خانواده تلویزیون وجود دارد. تلویزیون مادر در آشپزخانه، پدر در اتاقش و بچه‌ها در اتاق‌شان است. برای استفاده بهینه از این فضای که بر پایه فردیت بنا شده است، باید برنامه داشت و نهاد مسجد و محافل تربیتی را جدی گرفت. روحانیت می‌تواند در بین اقشار مختلف یارگیری کند و شخصیت‌های دیگر را در جهت آرمان‌های انقلاب به خط کند.

